

معمار تقریب از مسیر اصلاح علمی



در تاریخ معاصر حوزه‌های علمیه، برخی شخصیت‌ها بیش از آنکه به دلیل جایگاه علمی یا آثار مکتوب خود شناخته شوند، به واسطه تحولی که در ساختارهای فکری و آموزشی ایجاد کرده‌اند ماندگار شده‌اند. شیخ محمدرضا مظفر از جمله این چهره‌هاست. او را نمی‌توان صرفاً یک فقیه، اصولی، فیلسوف یا نویسنده دانست؛ بلکه باید وی را در شمار مصلحان بزرگ حوزه نجف و از پیشگامان اندیشه تقریب مذاهب اسلامی به حساب آورد که کوشید از مسیر اصلاح علمی و آموزشی، زمینه‌های همگرایی میان مسلمانان را فراهم سازد.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیت مظفر، نگاه آسیب‌شناسانه او به وضعیت حوزه‌های علمیه بود. وی در دوره‌ای می‌زیست که حوزه نجف همچنان از اعتبار علمی بالایی برخوردار بود، اما در شیوه‌های آموزشی، متون درسی و سازوکارهای تربیت نیروی انسانی با چالش‌هایی روبه‌رو بود. مظفر به جای آنکه همچون بسیاری از هم‌عصران خود تمام توان خویش را صرف تدریس و طی مسیر مرجعیت کند، اصلاح ساختار آموزشی حوزه را در اولویت قرار داد. تأسیس «منتدی النشر»، راه‌اندازی دانشکده فقه و تدوین متون آموزشی جدید، بخشی از تلاش‌های او برای نوسازی نظام آموزشی حوزه بود؛ اقدامی که آثار آن تا امروز در

بسیاری از مراکز علمی شیعه قابل مشاهده است.

اهمیت این رویکرد زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم مظفر اصلاح حوزه را مقدمه اصلاح جامعه اسلامی می‌دانست. از نگاه او، حوزه‌ای که نتواند با نیازهای زمانه ارتباط برقرار کند و دانش‌پژوهانی آگاه به مسائل جدید تربیت نماید، در ایفای رسالت تاریخی خود با دشواری مواجه خواهد شد. به همین دلیل در برنامه‌های آموزشی مورد نظر او، در کنار علوم سنتی حوزوی، توجه به علوم انسانی، تاریخ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و حتی زبان‌های خارجی نیز جایگاه ویژه‌ای داشت.

در حوزه تقریب مذاهب اسلامی نیز مظفر رویکردی متمایز ارائه کرد. او نه طرفدار تقابل و جدال‌های فرقه‌ای بود و نه راه‌حل را در نادیده گرفتن اختلافات اعتقادی می‌دید. به باور وی، وحدت اسلامی با حذف باورهای مذهبی یا چشم‌پوشی از هویت‌های اعتقادی تحقق نمی‌یابد، بلکه نیازمند افزایش آگاهی، گفت‌وگوی علمی و شناخت متقابل است. از همین رو، راهبرد اصلی او برای کاهش شکاف‌های مذهبی، ارتقای سطح معرفت عمومی و فراهم ساختن فضایی برای گفت‌وگوی منصفانه میان اندیشمندان مسلمان بود.

این نگاه را می‌توان از مهم‌ترین مؤلفه‌های اندیشه تقریبی مظفر دانست. او معتقد بود بسیاری از نزاع‌های مذهبی محصول جهل، تعصب و برداشت‌های نادرست از تاریخ و عقاید اسلامی است. بنابراین، درمان این وضعیت نه در تشدید منازعات و نه در کم‌رنگ کردن اعتقادات، بلکه در ترویج پژوهش‌های علمی و عرضه منصفانه دیدگاه‌ها نهفته است. تألیف کتاب «السقیفه» نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است؛ اثری که تلاش می‌کند یکی از مهم‌ترین موضوعات اختلافی تاریخ اسلام را با رویکردی علمی و به دور از هیجان‌های فرقه‌ای بررسی کند.

از سوی دیگر، مظفر تقریب را صرفاً مسئله‌ای مذهبی نمی‌دانست، بلکه آن را بخشی از پروژه احیای امت اسلامی تلقی می‌کرد. حساسیت او نسبت به مسئله فلسطین، حمایت از مبارزات مردم الجزایر علیه استعمار و واکنش به تحولات سیاسی جهان اسلام نشان می‌دهد که وحدت مسلمانان در اندیشه وی، هدفی راهبردی برای افزایش قدرت و استقلال امت اسلامی بود. او به خوبی دریافته بود که تفرقه مذهبی یکی از مهم‌ترین ابزارهای نفوذ قدرت‌های خارجی در جوامع اسلامی است و بدون تقویت همبستگی مسلمانان، امکان مقابله مؤثر با این چالش‌ها وجود نخواهد داشت.

میراث فکری و عملی محمدرضا مظفر امروز نیز برای نهادهای فعال در عرصه تقریب مذاهب اسلامی واجد اهمیت است. تجربه او نشان می‌دهد که تقریب زمانی پایدار و اثرگذار خواهد بود که بر پایه آموزش،

گفت‌وگوی علمی، اصلاح نهادهای دینی و ارتقای سطح آگاهی عمومی استوار شود. به همین دلیل، مظفر را باید نه تنها یک عالم برجسته شیعی، بلکه یکی از معماران اندیشه تقریب در دوران معاصر دانست؛ شخصیتی که تلاش کرد وحدت اسلامی را از مسیر عقلانیت، دانش و اصلاح ساختارهای فرهنگی دنبال کند.